

امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی-ده‌بید فارس؛ خانقاهی از عصر ایلخانی-تیموری

اکرم ابراهیم زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

احمد صالحی کاخکی*

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

salehi.k.a@au.ac.ir

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbs.2019.16193.1736

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴

(از ص ۱۶۷ تا ۱۸۶)

چکیده

مقابر و آرامگاه‌ها، از دیگر اشکال معماری است، که از دیرباز تاکنون، در ارتباط با آیین و اعتقادات مردم هر دوره و هر منطقه بوده است. در ایران دوره‌ی اسلامی، بناهای آرامگاهی و مذهبی بسیاری وجود دارند که به‌عنوان امامزاده، مورد زیارت عموم واقع شده‌اند. اما در برخی موارد، این‌گونه بناها، مدفن شخص صوفی یا عالم بزرگی است که مورد احترام مردم هستند. بناهای ساخته شده بر روی مدفن این بزرگان، دارای ساختار معماری و ویژگی‌هایی است، که حکایت از یک خانقاه دارد. در استان فارس، تعدادی آرامگاه از این نوع وجود دارد، که اکثراً مربوط به قرون میانه‌ی اسلامی بوده و عملکرد خانقاهی داشته‌اند. امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی-ده‌بید استان فارس، از جمله‌ی آن‌هاست که دارای سبک معماری و تزییناتی مشابه آثار معماری ایلخانی و تیموری است؛ اما به جهت عدم وجود شواهدی درخصوص تاریخ ساخت؛ قدمت و عملکرد بنا، ناشناخته مانده است. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو با رویکردی تاریخی-تطبیقی و با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها شکل گرفت؛ (۱) مجموعه‌ی امامزاده شهداء، براساس ساختار معماری و تزییناتش، در زمره‌ی آثار کدام دوره قرار می‌گیرد؟ (۲) عملکرد اصلی بنای امامزاده شهداء چیست و چه عواملی موجب شکل‌گیری این بنا شده است؟ در این راستا؛ ابتدا یک بررسی میدانی در کل مجموعه‌ی آرامگاهی امامزاده شهداء صورت گرفت و سپس با استناد به منابع مکتوب، ساختار و تزیینات معماری بنا با دیگر آثار مشابه در منطقه‌ی فارس و مناطق همجوار، به‌ویژه استان‌های مرکزی ایران، مانند کرمان، یزد و اصفهان مورد مقایسه و مطالعه‌ی تطبیقی قرار گرفت. حاصل کار، تشابه میان ساختار و تزیینات معماری بنای مورد پژوهش، با تعدادی از بناهای دوران ایلخانی-تیموری در مناطق یاد شده بود و در نهایت؛ با توجه به ویژگی‌ها و موقعیت بنا، نتایجی از عملکرد خانقاهی آن، در برهه‌ی زمانی اواسط قرن هشتم تا اواخر قرن نهم هجری قمری به دست آمد.

کلیدواژگان: فارس، خرمی-ده‌بید، امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم)، خانقاه، معماری ایلخانی-تیموری.

مقدمه

در ایران دوره‌ی اسلامی، شاهد شکل‌گیری بقعه‌ها و آرامگاه‌های بسیاری هستیم، که گاه‌آ پیش از شکل‌گیری، محل بحث و درس و سکونت عالمان و بزرگان دینی بوده و پس از گذشت دوره‌ی حیاتشان، مدفن ایشان گردیده است. این بناهای آرامگاهی، علاوه بر اهمیت ساختار معماری و تزیینات، مورد احترام مریدان و معتقدان و مردم منطقه واقع شده و به مرور زمان به عنوان امامزاده، مورد زیارت قرار گرفته‌اند. در استان فارس، بناهای آرامگاهی بسیاری از این نوع وجود دارد که دارای عملکرد خانقاهی بوده و اکثراً مربوط به قرون میانه‌ی اسلامی هستند. امامزاده داوود خرقه فیروزآباد، بقعه‌ی شیخ خلیفه چهارم، بقعه‌ی شیخ محمد خنج و امامزاده شاه میرحمزه بوانات از آن جمله‌اند، که با وجود شناسایی و معرفی برخی از آن‌ها، توسط باستان‌شناسان و محققان، برخی دیگر هنوز ناشناخته مانده‌اند. امامزاده شهداء (بقعه‌ی سلطان ابراهیم) خرمی-ده‌بید، یکی از این مجموعه‌های آرامگاهی است، که علاوه بر ساختار معماری و تزییناتش - که در نگاه نخست، آثار معماری اواخر دوره‌ی ایلخانی و دوره‌ی تیموری را به خاطر می‌آورد- با توجه به موقعیتش، به نظر می‌رسد یک خانقاه بوده است؛ اما به جهت عدم وجود آثار و شواهدی که نشان‌دهنده‌ی تاریخ ساخت آن باشد، قدمت و عملکرد آن، همچنان ناشناخته مانده است. از طرفی، جایگاه ویژه‌ی معماران شیرازی در دوره‌ی تیموری و ساخت بناهایی توسط آنان در مراکز حکومتی تیموریان، ذهن را به جستجوی بناهایی متعلق به این دوره، در نواحی مرکزی به ویژه استان فارس، رهنمون می‌سازد. با این پیش فرض، نگارندگان، ابتدا به بررسی میدانی از این مجموعه‌ی آرامگاهی پرداخته و سپس با استناد به منابع مکتوب، ساختار و تزیینات معماری بنا با دیگر آثار مشابه در مناطق مرکزی ایران، به ویژه فارس و دیگر استان‌های همجوار، از جمله: کرمان، یزد و اصفهان مورد مقایسه قرار گرفت و با برشمردن ویژگی‌های این بنا با موارد مشابه، تلاش گردید تا قدمت و عملکرد این مجموعه آرامگاهی ارزشمند محقق گردد.

بنای امامزاده شهداء منسوب به سلطان ابراهیم، در فهرست آثار ملی به شماره‌ی ۱۹۳۳ به ثبت رسیده است؛ اما فاقد قدمت ساخت و عملکرد بناست. ساختمان این امامزاده از لحاظ تاریخی، معماری و مذهبی به عنوان یکی از شاهکارهای معماری دوران اسلامی در استان فارس، مشابه برخی از آثار اواخر قرون میانه‌ی اسلامی به ویژه قرون ۸-۹ ه.ق. است. تزیینات غنی و آرایه‌های معماری، به ویژه کاشیکاری و کتیبه‌های آن، گواه این مدعاست. قرارگیری مجموعه‌ی امامزاده شهداء در مسیر یکی از شاهراه‌های ارتباطی اصفهان-شیراز، همچنین وجود چهارطاقی‌ها و قبرستان مجاور آن، همگی نشانگر مرکزیت و اعتبار سیاسی و مذهبی این منطقه، در دوران مختلف تاریخی بوده است. اما با توجه جایگاه و اهمیت این مجموعه آرامگاهی، به ویژه با اشاره‌ای که برخی منابع به آن نموده‌اند، بررسی و مطالعات انجام گرفته بر روی این منطقه و آثار باستانی و تاریخی آن بسیار محدود و ناچیز بوده است. این‌که قدمت مجموعه‌ی امامزاده شهداء، به کدام دوره بازمی‌گردد؟ عملکرد اصلی

بنا چیست و چه عواملی موجب شکل‌گیری این بنا شده است؟ مسائلی است که ضرورت بررسی در راستای شناخت و معرفی این مجموعه‌ی آرامگاهی را آشکار می‌نماید و ما را به نقش و عملکرد و سابقه تاریخی بنای امامزاده و آثار مجاور آن رهنمون می‌سازد.

اهداف و ضرورت پژوهش: ضرورت پژوهش از آنجایی نشأت گرفت که در اکثر منابع معماری ایران دوره‌ی اسلامی، به بنای امامزاده شهداء خرمی-دهبید اشاراتی گردیده بود، ولی هیچ شواهد و مدارکی در مورد قدمت و عملکرد این مجموعه آرامگاهی، وجود نداشت. بر همین اساس، پژوهش پیش‌رو، در راستای اهدافی چون: بررسی و شناخت باستان‌شناختی مجموعه‌ی آرامگاهی سلطان ابراهیم (امامزاده شهداء) و تعیین قدمت بنا با توجه به نوع نقشه، مصالح به‌کاررفته و تزیینات معماری آن شکل گرفت.

پرسش و فرضیات (اصلی و فرعی): این پژوهش بر پایه‌ی دو پرسش اصلی است که عبارتند از: (۱) مجموعه‌ی امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم)، براساس ساختار معماری و تزییناتش، در زمره‌ی آثار کدام دوره قرار می‌گیرد؟ (۲) عملکرد اصلی بنای امامزاده شهداء چیست و چه عواملی موجب شکل‌گیری آن شده است؟ براساس پرسش‌های مطرح شده، فرضیات عبارتند از: (۱) با توجه به ساختار معماری و تزیینات، قدمت امامزاده شهداء به قرون هشتم و نهم هجری قمری بازمی‌گردد. (۲) براساس موقعیت بنا و مقایسه‌ی آن با بناهای مشابه، عملکرد خانقاه را می‌توان برای آن در نظر گرفت.

روش تحقیق: روش تحقیق در این مقاله به صورت تاریخی-تطبیقی است و جهت شناخت باستان‌شناختی مجموعه‌ی امامزاده و تعیین قدمت آن، پژوهش طی چند مرحله صورت گرفته است. ابتدا با بررسی میدانی انجام شده، موقعیت و ساختار بنا مشخص و وضعیت ظاهری، نقشه و تزیینات معماری آن توصیف گردید؛ سپس براساس ویژگی‌های ساختاری بنا، سبک معماری و دوره‌ی ساخت آن، به طور تقریبی مشخص شد و در مرحله‌ی پایانی پژوهش، به منظور تعیین قدمت و عملکرد بنا، هر یک از عناصر معماری با موارد مشابه و هم‌دوره، در مناطق مرکزی ایران، مورد مقایسه و مطالعه‌ی تطبیقی قرار گرفت.

پیشینه‌ی پژوهش

امامزاده شهداء منسوب به سلطان ابراهیم به شماره‌ی ثبتی ۱۹۳۳ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۲ ثبت آثار فرهنگی و تاریخی گردیده و توسط اداره‌ی باستان‌شناسی فارس، به سرپرستی عبدالسعید صفرزاده، در سال ۱۳۸۲ به منظور تعیین حریم، گمانه‌هایی در آن زده شد (مرکز اسناد میراث فرهنگی فارس، ۱۳۸۶: ۳). در حال حاضر گزارش این گمانه‌زنی، وضعیت و مشخصات ظاهری بنا و اطلاعات ثبتی آن، همچنین نتایج مطالعاتی که جهت حفاظت و مرمت بنا در سال ۱۳۸۶ صورت گرفت، در آرشیو میراث فرهنگی فارس موجود است؛ اما پژوهشی جهت شناسائی قدمت، نقش و عملکرد بنا و مکتوب نمودن اطلاعات به دست آمده، انجام نگرفته است. از جمله

منابع معدودی که به شرح مختصر این مجموعه آرامگاهی پرداخته، کتاب اقلیم پارس است که اطلاعات مربوط به بقعه‌ی شهداء در آن، از گزارش آقای فریدون توللی (بازرس فنی باستان‌شناسی فارس) نقل گردیده است (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۶). همچنین در کتاب آرامگاه در گستره‌ی فرهنگ ایرانی (غروی، ۱۳۷۶: ۳۳۱) و در مقاله‌ی «مقابر» (هیلن براند، ۱۳۷۹، ۹۳)، تنها به نام این بنا اشاراتی گردیده است. از دیگر منابع قابل ذکر، کتب سیمای میراث فرهنگی فارس (مدیریت میراث فرهنگی فارس، ۱۳۸۱: ۱۷۸) و مجموعه‌ی راهنمای جامع ایرانگردی استان فارس (زننده‌دل و دستیاران، ۱۳۷۷: ۱۳۰) است که به معرفی این مجموعه‌ی آرامگاهی، در جهت راهنمای گردشگران پرداخته‌اند. از دیگر منابعی که اخیراً منتشر شده و در آن مختصری از بنای امامزاده شهداء نیز مطالبی ارائه شده، کتاب شهرستان خرم بید و فرهنگ مردم آن است که توسط یکی از اهالی منطقه و با جمع‌آوری اطلاعات شفاهی تدوین گردیده است (رشیدی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). تمامی منابع مزبور، به اتفاق معتقد هستند این مجموعه‌ی ارزشمند آرامگاهی، متعلق به قرون هشتم تا نهم هجری قمری است، اما هیچ‌یک دلیل و مدرکی برای اثبات قدمت و کاربری اصلی آن ارائه ننموده‌اند و علاوه بر آن، در کتب مربوط به دوران ایلخانی و تیموری، مانند: معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان (ویلیبر، ۱۳۹۳: ۵۳) و معماری تیموری در ایران و توران (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۱۱۶) که منابعی مهم در شناخت بناهای این دوران است، اشاره‌ای به بنای موردنظر نگردیده است. بر این اساس ضرورت تحقیق و بررسی و معرفی این بنا، به وضوح مشخص می‌گردد.

توصیف ساختار و تزیینات معماری امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم)

پیش از پرداختن به موضوع اصلی پژوهش، یعنی تعیین قدمت و کاربری بنا، براساس مطابقت آن با نمونه‌های مشابه، لازم است ابتدا شناختی کلی از بنا، داشته باشیم؛ بر این اساس، بر مبنای بررسی میدانی که توسط نگارندگان صورت گرفته است، شرحی از موقعیت بنا، ساختار و تزیینات معماری آن، ارائه می‌گردد.

موقعیت جغرافیایی بنا: شهرستان صفاشهر، از شهرهای شمالی استان فارس و در اقلیم سرد استان واقع شده و شامل دو قسمت خرمی و ده بید است، که مجموعه امامزاده شهداء، در ۴ کیلومتری جنوب شهرستان، بخش خرمی و ۵ کیلومتری شمال روستای قاضیان و تفرجگاه قصر یعقوب، به فاصله‌ی ۱۲ کیلومتری جنوب غرب جاده‌ی شیراز-اصفهان، در چشم‌انداز سمت چپ جاده، قرار دارد و شامل: بنای امامزاده (تصویر ۱)، قبرستان و یک چهارطاقی در سمت جنوبی مجموعه است (تصویر ۲).

نقشه و ساختار بنا: به طور کلی، بنا متشکل از دو بخش مرکزی و بخش‌های جانبی است (نقشه ۱). به نظر می‌رسد بخش مرکزی بنا، شامل تالار گنبدداری بوده که تخریب گردیده (نقشه ۱:۱) و ایوان‌های کنونی، در حکم صفا یا شاه‌نشین‌های این تالار سرپوشیده، یک فضای چلیپایی را تشکیل می‌داده‌اند (نقشه ۱: ۲). شبستان بنا نیز، به احتمال، اتاق مقبره‌ی فعلی است که سنگ قبر در آن واقع شده



► تصویر ۱. بنای امامزاده شهداء (نگارندگان، ۱۳۹۶).

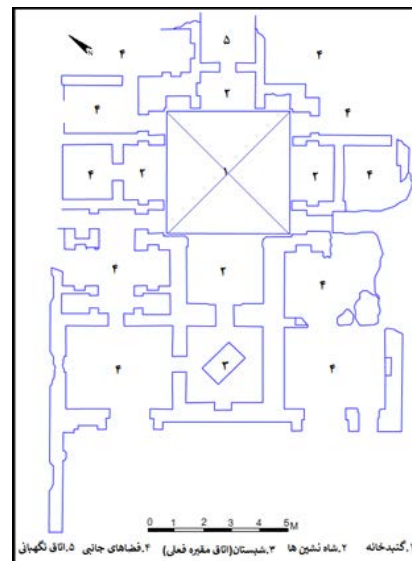


► تصویر ۲. قبرستان و چهارطاقی مجاور امامزاده (نگارندگان، ۱۳۹۶).

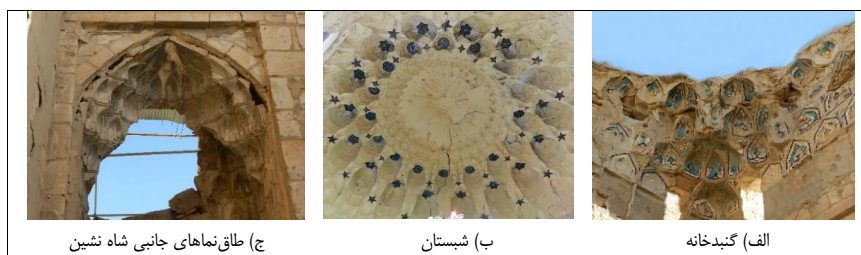
است (نقشه ۱:۳). هر یک از شاه‌نشین‌ها و طاق‌نماهای جانبی، توسط درگاه‌هایی به اتاق‌ها و فضاهایی که در پشت آن‌ها قرار داشته، راه می‌یافته که کاربری آن‌ها مشخص نیست (نقشه ۱:۴). این فضاهای جانبی، دارای نقشه مربع-مستطیل بوده و در دو طرف بخش مرکزی قرار دارند؛ هرچند فضاهای جانبی در شرق و جنوب شرقی کاملاً تخریب گردیده‌اند و از زاویه‌ی جنوبی، فقط یک درگاه باقی‌مانده است، اما به نظر می‌رسد، فضاهای دو طرف گنبدخانه، دارای همسانی و تقارن بوده‌اند. در سمت شمال شرق، اتاق نگهبانی فعلی قرار دارد که سازه‌ای جدید است (نقشه ۱:۵). از فضاهای سمت شمال، دو اتاق مستطیل‌شکل مخروطیه، در سمت شمال غرب یک اتاق مربع‌شکل و یک فضای صلیبی‌شکل، به صورت نیمه‌مخروطیه باقی‌مانده است. در زاویه‌ی غربی، اتاق مستطیل‌شکلی است که تنها قسمت تقریباً سالم باقی‌مانده بناست و در امتداد آن، باقی‌مانده دیوار و داغ دیواری دیده می‌شود که با توجه به آن، می‌توان حدس زد که صحن اصلی در این قسمت قرار داشته است.

مصالح و تزیینات بنا: بی‌شک انتخاب مصالح در ساخت و تزیینات هر بنا، در ارتباط مستقیم با اقلیم و شرایط جغرافیایی و محیطی آن منطقه است. با توجه به این‌که خرمی-ده‌بید، جزو مناطق سردسیر استان است؛ عمده مصالح به‌کار رفته در بنای امامزاده شهداء، متناسب با اقلیم سرد آن، سنگ است که اکثراً بوم‌آورد و از معادن سنگ موجود در خود منطقه است. دیگر مصالح به‌کار رفته در بنا؛ چوب، آجر، گچ و کاشی است که در برخی قسمت‌ها شاهد تلفیق چند نوع مصالح در کنار یکدیگر هستیم. اما عامل مهمی که در هر بنا می‌تواند تعیین‌کننده‌ی سبک معماری و زمان ساخت آن باشد؛ علاوه‌بر نقشه، تزیینات آن بناست. در بنای امامزاده شهداء نیز، تزیینات شاخصی به‌کار رفته که عبارتند از:

مقرنس: از این عنصر تزیینی در گنبدخانه‌ی مرکزی، شبستان و طاق نماهای همجوار شاه‌نشین‌های بنا استفاده شده است. در فضای گنبدخانه، تزیینات مقرنس، در تلفیق با کاشی معرّق و لعاب‌پران، در بخش انتقالی پایه به گنبد، صورت گرفته است (تصویر ۳: الف). در شبستان، مقرنس در فضای زیر گنبد با گچ و در ترکیب با کاشی معرّق، به صورت گره و با نقش مایه‌های هندسی، انجام گرفته و تشکیل نوعی طاق، معروف به «طاق کوبی» را داده است (گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴، ۲۲۸)، (تصویر ۳: ب). در طاق نماهای جانبی شاه‌نشین‌های گنبدخانه نیز، مقرنس‌های گچی مشاهده می‌شود (تصویر ۳: ج).



▲ نقشه ۱. نقشه‌ی امامزاده شهداء (آرشیو میراث فرهنگی فارس، ۱۳۷۸؛ بازترسیم نگارندگان).
۱. گنبدخانه، ۲. شاه‌نشین‌ها، ۳. شبستان (طاق معرّق فعلی)، ۴. فضاهای جانبی طاق کوبی



ج) طاق نماهای جانبی شاه‌نشین

ب) شبستان

الف) گنبدخانه


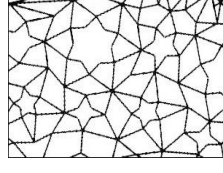

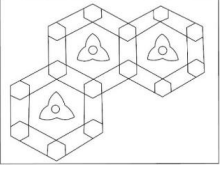

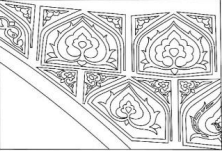

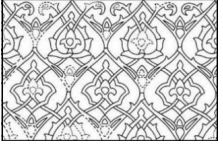

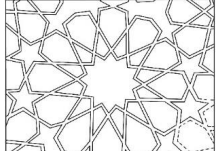
تصویر ۳. تزیینات مقرنس امامزاده شهداء (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀

معرّق: اکثریت تزیینات معماری بنای امامزاده را کاشی در بر گرفته و از تنوع بسیاری نیز برخوردار است که در اینجا به بررسی تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم. تزیینات کاشیکاری در این بنا، در دو تکنیک معرّق و لعاب‌پران و به صورت ترکیبی با یکدیگر به‌کار رفته است. تزیینات معرّق آن نیز، به دو گونه است:

الف) تلفیق معرّق و گچ: کاشی معرّق به صورت تلفیقی با گچ، در طاق شبستان و در میان مقرنس‌های گچی، با نقش مایه‌های هندسی متنوع و در ازاره‌ی شبستان به‌کار رفته است (جدول ۱:۱).

ب) تلفیق معرّق و سنگ: یکی از ویژگی‌های بارز سنگ به‌کار رفته در بنای امامزاده، نرمی و قابلیت تراش خوردگی آسان آن برای استفاده در تزیینات، به‌ویژه در تلفیق با کاشی معرّق و به صورت گره در نقش مایه‌های متنوع هندسی و گیاهی است، که در پوشش گنبدخانه، ازاره‌ی طاق نمای شاه‌نشین شمال شرقی، شاه‌نشین جنوب غربی و نمای پیشین بیرونی در ضلع جنوب غربی که قسمت عمده‌ی آن تخریب گردیده، استفاده شده است (جدول ۱:۲).

► جدول ۱. تزیینات معرق به‌کار رفته در بنای امامزاده شهداء (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	نوع تزئین معرق	موقعیت تزئین	عکس	طرح
۱	معرق و گچ	طاق شبستان		
		ازاره شبستان		
۲	معرق و سنگ	گنبدخانه		
		ازاره‌ی طاق‌نمای شاه‌نشین شمال شرقی		
		شاه‌نشین جنوب غربی		

کتیبه‌های بنا: کتیبه‌ها به نوعی، شناسنامه‌های هر بنا هستند که نه تنها

جنبه‌ی زیباشناختی داشته؛ بلکه حامل پیام‌هایی به مخاطب است. در بنای امامزاده شهداء، دو کتیبه‌ی کاشی معرق وجود دارد؛ کتیبه‌ی اول، در قسمت سردر ورودی شبستان، به قلم ثلث و حاوی حدیثی از پیامبر درباره‌ی نماز است که نیمی از آن تخریب گردیده، اما آنچه از کتیبه قابل مشاهده است، نشان‌دهنده‌ی موقعیت نمازخانه است (تصویر ۴: الف). کتیبه‌ی دوم، واقع در شبستان یا اتاق مقبره‌ی فعلی، به شیوه‌ی مادر و فرزند است که در آن، قسمتی از سوره‌ی فتح، به قلم ثلث و به رنگ سفید، در اندازه‌ی بزرگ‌تر و آیه‌الکرسی به همراه آیه‌ی شریفه و این یکاد...، به خط کوفی تزیینی و به رنگ قهوه‌ای کم‌رنگ، در اندازه‌ی کوچک‌تر در قسمت فوقانی کتیبه‌ی ثلث، نگاشته شده است (تصویر ۴: ب).

طاق و قوس‌ها: نکته‌ی قابل توجه در طاق و قوس‌های بنا، متفاوت بودن

طاق شاه‌نشین‌های گنبدخانه از نظر ارتفاع و تزیینات آن‌هاست. طبق نقشه، فضای مربع‌شکل گنبدخانه، متشکل از چهار شاه‌نشین است که شاه‌نشین جنوب غربی، نسبت به سه شاه‌نشین دیگر بزرگ‌تر و حجم تزیینات آن بیشتر است؛ به‌گونه‌ای که توجه هر بیننده را در نگاه نخست، به خود جلب می‌کند (تصویر ۵). این متفاوت



الف) کتیبه سردر ورودی شبستان

متن کتیبه: «قال النبي عليه السلام لاصلوة إلا بحضورالقلب {...}»

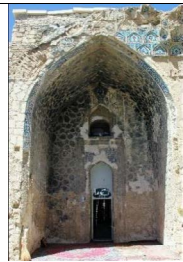


ب) کتیبه داخل شبستان

متن کتیبه خط کوفی: آية الكرسي و آیه و إن يكاد...

متن کتیبه ثلث: سوره فتح تا آیه ۱۰

تصویر ۴. کتیبه‌های موجود در بنای امامزاده شهداء (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀



شاه‌نشین جنوب‌غربی



شاه‌نشین شمال‌شرقی



شاه‌نشین شمال‌غربی



شاه‌نشین جنوب‌شرقی

تصویر ۵. شاه‌نشین‌های گنبدخانه با طاقگان متفاوت (نگارندگان، ۱۳۹۶). ◀

بودن شاه‌نشین‌ها در اندازه و تزیینات، می‌تواند نشانه‌ی دیگری از سبک معماری و دوره‌ی ساخت بنا باشد که شناخت جزئیات بیشتر این ویژگی، براساس سبک معماری که در ادامه خواهد آمد، در بخش مطالعه‌ی تطبیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سبک معماری بنای امامزاده براساس توصیفات عناصر معماری بنا: قبل از

انجام هرگونه مقایسه برای تاریخ‌گذاری بنا، می‌بایست ابتدا نوع و سبک معماری که براساس آن، ساختمان مورد نظر شکل گرفته است، حدس زده یا به‌طور یقین مشخص شود. سبک معماری بناهای هر دوره نیز، بر مبنای ویژگی عناصر به‌کاررفته در آن‌ها، تعیین می‌شود. بر همین اساس، طبق توصیفی که از معماری و تزیینات امامزاده صورت گرفت؛ به نظر می‌رسد که این بنا، در سبک‌های معماری ارائه شده از سوی محققین، با ویژگی‌هایی مانند: پیمون بندی و بهره‌گیری از عناصر یکسانی چون: آرایه‌ها به دلیل شتاب در ساختمان‌سازی (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۱۴)، جنبش بناسازی عظیم مغولان پس از ساخت گنبد سلطانی، در شهرهای مرکزی

ایران نظیر: قم، اصفهان، یزد، ابرقو (هیلن براند، ۱۳۸۵: ۱۹۷)، عنصر چهارصفه، به‌عنوان یکی از اجزای بناهای تیموری، با اتاق‌های متصل به هم احاطه شده در اطراف فضای مرکزی که یک سلسله اتاق‌های شاه‌نشین دار به‌وجود آورده و از اوایل قرن هشتم هجری قمری جانشین تالارهای ستوندار گردید (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۱۱۶)، ایجاد اتاق‌های مربع‌شکل با گنبدی‌های مقرنسی که از ویژگی‌های اصلی در معماری متأخر تیموری است و توسط معماران شیرازی به آسیای میانه منتقل شد (بلرو و بلوم، ۱۳۸۸: ۹۳)، کتیبه‌هایی به‌قلم‌ثلث با کشیده‌های افقی کمتر و الف کشیده‌تر نسبت به حروف دیگر (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۵۳) و... می‌توان گفت این بنا در زمره‌ی دوره‌ی دوم از شیوه‌ی آذری (دوره‌ی تیموریان و ترکمانان تا آغاز صفویه)^۱ قرار می‌گیرد.

تعیین قدمت بنا براساس مطالعات تطبیقی با بناهای مشابه

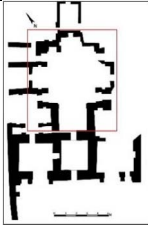
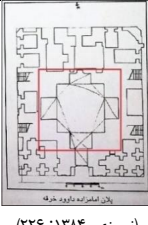
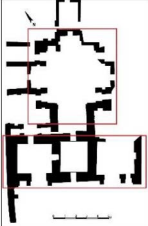
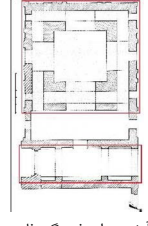
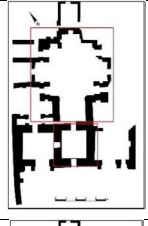
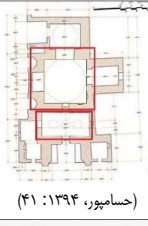
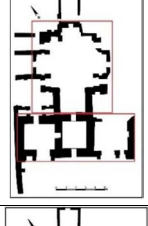

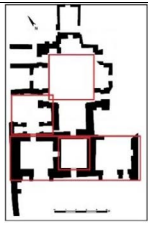
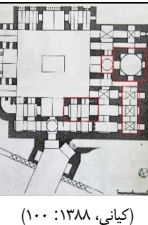
در این بخش، جهت تاریخ‌گذاری بنا، با توجه به عناصر معماری آن، که به سبک آذری، - یعنی سبک معماری قرون هشتم و نهم هجری قمری - متمایل می‌نماید؛ همچنین موقعیت اثر در استان فارس، از طریق بررسی مدارک مکتوب و بازدید از برخی آثار مشابه و هم‌دوره در این منطقه و استان‌های همجوار، به مقایسه و مطابقت آن‌ها، با بنای مورد پژوهش پرداخته تا بتوان به قدمت این مجموعه‌ی ارزشمند تاریخی - مذهبی دست یافت. عوامل مورد مقایسه عبارتند از:

الف) ساختار و نقشه: نقشه بنای امامزاده، ابتدا با نقشه برخی بناهای مشابه در فارس، که به نظر می‌رسد کاربری آن‌ها مشابه امامزاده شهداء است، مطابقت داده شدند؛ از جمله: امامزاده داوود خرقة، خانقاهی متعلق به قرون هشتم و نهم هجری قمری در فیروزآباد (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۲۳)، (جدول ۲: ۱)؛ بقعه‌ی شیخ خلیفه‌ی چهارم به تاریخ ۸۵۴ ه.ق. (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)، (جدول ۲: ۲)؛ امامزاده شاه میرحمزه‌ی بوانات به تاریخ ۹۳۵ ه.ق. (حسام‌پور، ۱۳۹۴: ۳۹)، (جدول ۲: ۳)؛ سپس با بناهای درب امام اصفهان (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۳۰)، (جدول ۲: ۴) و مسجد میدان سنگ کاشان که هر دو بنا متعلق به دوره‌ی حکومتی جهان‌شاه قراقویونلو است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۵۵۳)، (جدول ۲: ۵) مورد مقایسه قرار گرفت و مطابقت‌هایی میان برخی فضاها در نقشه این بناها با بنای مورد پژوهش مشاهده شد، که در جدول زیر مشخص گردیده است (جدول ۲).

ب) عناصر و تزیینات معماری: از آنجایی که یکی از بهترین راه‌های دستیابی به قدمت هر اثر، مقایسه‌ی تزیینات معماری آن با موارد مشابه است؛ در این بخش، تزیینات بنای امامزاده در قالب جداولی، با تعدادی بناهای مشابه و هم‌دوره مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا بتوان به نتایج قابل قبولی از دوره‌ی زمانی بنای مورد پژوهش دست یافت. تزیینات مورد مقایسه عبارتند از:

ب-۱) کتیبه: آنچه که در کتیبه‌های بنای امامزاده، قابل قیاس با کتیبه‌های قرون هشتم و نهم هجری قمری است؛ هیئت ظاهری و نوشتار قلم‌ثلث است که در کتیبه‌های این دوران، حروف عمودی کشیدگی بیشتری نسبت به حروف افقی

جدول ۲. مطالعه‌ی تطبیقی نقشه‌ی امامزاده شهداء با نقشه‌ی بناهای مشابه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	بخش‌های قابل قیاس در پلان امامزاده	نام و قدمت بناهای مشابه	پلان بناهای مشابه	عناصر تطبیقی
۱		امامزاده داوود خرقه فیروزآباد، فارس (قرون ۸-۹ ه.ق.)		(۱) فضای گنبدخانه (۲) شاه‌نشین‌های اطراف گنبدخانه (۳) فضاهای جانبی
۲		بقعه شیخ خلیفه جرم، فارس (۸۵۴ ه.ق.)		(۱) گنبدخانه (۲) شبستان و دو اتاق جانبی
۳		امامزاده شاه میرحمزه بوانات، فارس (۹۳۵ ه.ق.)		(۱) گنبدخانه (۲) شاه‌نشین‌های اطراف گنبدخانه (۳) اتاق مقصوره در ضلع جنوبی
۴		درب امام اصفهان (۸۵۷ ه.ق.)		(۱) گنبدخانه‌های بزرگ و کوچک (۲) دهلیزها و اتاق‌های اطراف
۵		مسجد میدان سنگ کاشان (۸۶۸ ه.ق.)		(۱) گنبدخانه (۲) ایوان مقابل شبستان (۳) فضای صلیبی شکل (۴) سه شبستان همجوار

دارند (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۵۳) و این ویژگی در تعدادی از کتیبه‌های بناهای مناطق: فارس، کرمان، یزد و اصفهان نیز دیده می‌شود (جدول ۳).

ب- سنگ‌کاری: استفاده از مصالح سنگ در ساخت و تزیینات اکثر بناهای خطه فارس دیده می‌شود. اوکین، ویژگی استفاده از سنگ در ولایاتی چون فارس و آذربایجان را، به‌رغم فقدان بناهای فراوان، در بناهایی چون آرامگاه خنج و کاخ‌های خان‌ها در باکو، نشانه‌ای از تداوم سنت ساختمان‌سازی با سنگ در این مناطق، قلمداد می‌کند (اوکین، ۱۳۸۶: ۹۶)؛ هرچند از سنگ در معماری و تزیینات دوران قبل نیز دیده می‌شود، اما آنچه ما را به مقصود می‌رساند، یکسان بودن شیوه‌ی استفاده از سنگ در دیوارهای اصلی و شالوده‌ی بناهای قرون هشتم و نهم هجری قمری

► جدول ۳. مطالعه‌ی تطبیقی کتیبه‌ی بنای امامزاده شهداء با نمونه‌های مشابه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	کتیبه امامزاده شهداء	کتیبه‌های مشابه و هم‌دوره	عکس
۱		محراب بقعه شیخ خلیفه چهارم (۸۵۴ هـ-ق.) (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)	
		کتب سبز کرمان (۸۴۰ هـ-ق.) (فرهمنده بروخی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۰)	
		سردر مسجد جامع ورزنه (۸۴۸ هـ-ق.) (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۳۰)	
		سردر بیت‌الثناء مسجد عتیق اصفهان (۸۵۱ هـ-ق.) (نگارندگان، ۱۳۹۶)	

در محدوده‌ی استان فارس، همچون بقعه‌ی شیخ خلیفه‌ی چهارم (۸۵۴ هـ-ق.)، بقعه‌ی حاجی محمود خنجی (۸۸۳-۸۹۶ هـ-ق.) و خدایخانه‌ی مسجد عتیق شیراز (۷۵۲ هـ-ق.) است (جدول ۴: ۱).

ب-۳) مقرنس: بهترین تزیینی که ما را به هدف قدمت اثر نزدیک می‌سازد، مقرنس طاقگان دو فضای این بناست؛ چرا که در اکثر بناهای قرون هشتم و نهم هجری قمری، به ویژه بناهای قرن نهم هجری قمری استان یزد دیده می‌شود (افشار، ۱۳۵۴: ۴۷)، (جدول ۴: ۲).

ب-۴) معرّق: در بخش تزیینات بنا به دو نوع معرّق (معرّق و سنگ، معرّق و گچ) اشاره گردید. تزیین معرّق و سنگ، از جمله تزیینات نادری است که در بناهای قرون هشتم و نهم هجری قمری ایران مرکزی کمتر دیده شده و این نوع تزیین، علاوه بر فارس، در منطقه‌ی آذربایجان و برخی مناطق شمال شرقی به کار رفته است (Picket, 1997: 154)؛ بنابراین بنایی که از این نظر قابل قیاس با امامزاده شهداء خرم-بید باشد، یافت نگردید، اما تعدادی از هر دو سبک معرّق از نظر نقش مایه و شیوه‌ی کار، با تعدادی از بناهای کرمان، یزد و اصفهان، مورد مقایسه و مطابقت واقع شد (جدول ۴: ۳).

ب-۵) طاق و قوس: طاق و قوس‌ها، از دیگر عناصر معماری است که ابعاد و اندازه و فرم آن‌ها، مشخصه‌ی دیگری از سبک معماری دوره‌های حکومتی است؛ به گونه‌ای که در قرون اولیه‌ی اسلامی (قرن اول تا چهارم هجری قمری)، معمولاً از طاق‌هایی با ارتفاع کم و دهانه‌ی عریض، در ساخت درگاه‌ها، ایوان‌ها و تالارها بهره می‌گرفتند (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵) و در قرون میانه‌ی اسلامی (قرن پنجم تا نهم هجری قمری) جهت تأکید بر عمودیت و بلندتر نشان دادن بناها، اقدام به افزایش ارتفاع در طاق ایوان‌ها و درگاه‌ها نمودند (ویلیبر، ۱۳۹۳: ۳۵). همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، شاه‌نشین جنوب‌غربی امامزاده شهداء، که به شبستان یا اتاق مقبره راه می‌یابد، از سه شاه‌نشین دیگر مرتفع‌تر و دارای تزیینات بیشتری است (تصویر ۴). این ویژگی، در بناهای سبک معماری آذری، به ویژه دوره‌ی دوم آن (دوره‌ی جانشینان تیمور و ترکمانان) که برای دوره‌ی ساخت امامزاده شهداء نیز، مفروض گردید، دیده می‌شود. بر همین اساس، ویژگی طاق و قوس‌های بنا را نیز، با مشخصات طاق‌های این بازه‌ی زمانی (قرون ۸-۹ هـ-ق.) مورد بررسی قرار می‌دهیم.

جدول ۴. مطالعه‌ی تطبیقی عناصر و تزیینات بنای امامزاده شهداء با بناهای مشابه (نگارندگان، ۱۳۹۶).

ردیف	عناصر تزیینی امامزاده شهداء	عکس	نام و قدمت نمونه مشابه	عکس
۱	سنگ		بقعه‌ی شیخ خلیفه چهرم ۸۵۴ ه.ق. (مأخذ: میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)	
			بقعه‌ی حاجی محمود/محمد خنجی ۸۸۳-۸۹۶ ه.ق. (ویلبر و گل‌میک، ۱۳۷۴: ۵۵۹)	
			خدايخانه مسجد عتیق شیراز ۷۵۲ ه.ق. (ویلبر، ۱۳۸۷: ۱۹)	
۲	مقرنس‌های گچی		بقعه‌ی شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان ۸۴۰ ه.ق. (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۸۸)	
			مجموعه سلطان بندرآباد یزد ۸۷۸ ه.ق. (افشار، ۱۳۵۴: ۴۷)	
			سردر مسجد میدان سنگ کاشان ۸۶۸ ه.ق. (کیانی، ۱۳۸۸: ۸۰)	
۳	معرق		محراب مسجد جامع ورزنه ۸۴۷ ه.ق. (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۳۰)	
			حاشیه‌ی محراب مسجد جامع یزد ۷۷۷ ه.ق. (نگارندگان، ۱۳۹۲)	
			آزاره‌مسس شبستان مسجد جامع یزد ۸۰۹-۸۱۹ ه.ق. (نگارندگان، ۱۳۹۲)	

در قرون میانه‌ی اسلامی (قرون ۵-۹ ه.ق.) جهت تأکید بر عمودیت و بلندتر نشان دادن بناها، اقدام به افزایش ارتفاع در طاق ایوان‌ها و درگاه‌ها به‌ویژه ایوان مقصوره یا همان ایوان جلو شبستان نمودند (ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۵). این ویژگی در سبک معماری دوره‌ی جانشینان تیمور، خصوصاً دوره‌ی زمامداری شاه‌رخ، پُررنگ‌تر شد و مدخل ورودی از چنان اهمیتی برخوردار گشت که برای درگاه‌های ورود به صحن، یا در اندرونی‌ها، برای ورود به شبستان، از طاقگان قوس‌دار بلند و باریکی، استفاده می‌کردند که گاه با مناره‌های بلندی همراه بود؛ مانند سردر مسجد جامع یزد (شراتو

و گروبه، ۱۳۷۶: ۴۰)، (تصویر ۶: الف). تأکید بر مدخل ورودی با افزایش ارتفاع طاقگان‌ها، در بناهای ترکمانان نیز ادامه یافت؛ از نمونه‌های آن، سردر بقعه‌ی مسعودیه در اصفهان به تاریخ ۸۹۵ ه.ق.، زمان حکومت سلطان یعقوب آق‌قویونلو (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۳۲)، (تصویر ۶: ب) و درب امام اصفهان به تاریخ ۸۵۷ ه.ق. و دوره‌ی حکومت جهان‌شاه قراقویونلو است (حاجی‌قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۸)، (تصویر ۶: ج). این ویژگی از طاق و قوس، که در شاه‌نشین جنوب‌غربی بنای امامزاده شهداء نیز به وضوح دیده می‌شود، می‌تواند نشانه‌ی دیگری از قدمت بنا، در برهه‌ی زمانی قرون هشتم و نهم هجری قمری باشد.



► تصویر ۶. طاقگان بناهای دوره‌ی تیموریان و ترکمانان (نگارندگان، ۱۳۹۶).

عملکرد و کاربری بنا: پس از شناسایی قدمت بنای امامزاده که به‌طور

قریب به یقین می‌توان گفت، مربوط به بازه‌ی زمانی قرون هشتم تا نهم هجری قمری است؛ حال به دنبال این پرسش هستیم که عملکرد بنا در این دوران چه بوده؟ و با توجه به موقعیت قرارگیری و فضاهای موجود در آن، چه استفاده‌ای در زمان حیات خود داشته است؟ در کتاب شهرستان خرم‌بید و فرهنگ مردم آن، نام و نسب امامزاده سلطان ابراهیم، چنین آورده شده است: «امامزاده سلطان ابراهیم پسر حسین ابوعبداله پسر زید الاسود پسر ابراهیم پسر ابوعبداله محمد پسر ابومحمد قاسم ازسی پسر ابراهیم طباطبا - که در جمیلا اصفهان مدفون است - پسر اسماعیل دیباج پسر ابراهیم الغمر پسر حسن المثنی پسر امام حسن مجتبی علیه السلام» (رشیدی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

در ادامه‌ی نام و نسب او نیز، آمده است: امامزاده سلطان ابراهیم، سیدی جلیل و از امامزادگان و سادات فارس بود. پسری از او باقی نمانده و فقط صاحب چند دختر بود و تاریخ وفات وی احتمالاً در دهه‌ی نخست قرن پنجم هجری قمری (۴۰۰ تا ۴۱۰ ه.ق.) است (همان)؛ اما همان‌طور که در بخش پیشینه‌ی تحقیق اشاره شد، این منبع برگرفته از اقوال شفاهی ساکنان منطقه‌ی خرم-بید است و مورد اعتبار و استناد علمی نیست و اثبات نسب و شناخت هر یک از افرادی که به‌عنوان جد سلطان ابراهیم، از آن‌ها نام برده شده، نیاز به تحقیق و پژوهش گسترده‌ای دارد که در این مقوله نمی‌گنجد. از طرفی، منابع معدودی که به این اثر پرداخته‌اند، آن را با لفظ «بقعه سلطان ابراهیم» نیز، به‌کار برده‌اند (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۷؛ غروی،

۱۳۷۶: ۱۵۶). کاوشگر تعیین حریم و پژوهشگران مرمتی میراث فرهنگی فارس نیز، واژه‌ی خانقاه را برای آن استفاده کرده‌اند که به نظر می‌رسد این عنوان به کاربری بنا نزدیک‌تر باشد (راد، ۱۳۸۶: ۱۴). بر همین اساس، نگارندگان در جهت اثبات فرضیه‌ی خانقاه بودن بنا و یا عملکرد بقعه‌ای آن، با استناد به مدارک و شواهد و مطابقت دادن موقعیت و ساختار بنا با تعدادی از بناهای خانقاهی، به نتایج مطلوبی در جهت عملکرد خانقاهی این مجموعه دست یافتند. عواملی که در امامزاده شهداء با ویژگی‌های یک خانقاه مطابقت می‌نماید، عبارتند از:

استفاده از واژگان «سلطان» و «بقعه»: واژه‌ی سلطان، از جمله عناوینی است که معمولاً برای عرفا و دراویش صوفی به کار می‌رود، مانند: سلطان بایزید بسطامی و سلطان ابوسعید ابوالخیر (کیانی، ۱۳۶۹: ۳۲۹)؛ بنابراین به‌کارگیری واژه‌ی سلطان برای فردی به نام «ابراهیم»، به احتمال بسیار، شخص صوفی و بزرگی از درویش مسلکان، مورد نظر بوده است و بنا به دلایلی که در ادامه‌ی بحث عملکرد خانقاهی بنا، به آن پرداخته خواهد شد، این احتمال قوی‌تر است که این محل، مدفن یک صوفی است و پیش از مرگش، محل زندگی و فعالیت او بوده است. بر این اساس، در نسبت‌دادن شخص سلطان ابراهیم به امامزاده، از نوادگان امام حسن علیه السلام نیز نمی‌توان به طور قطع اظهار نظر نمود.

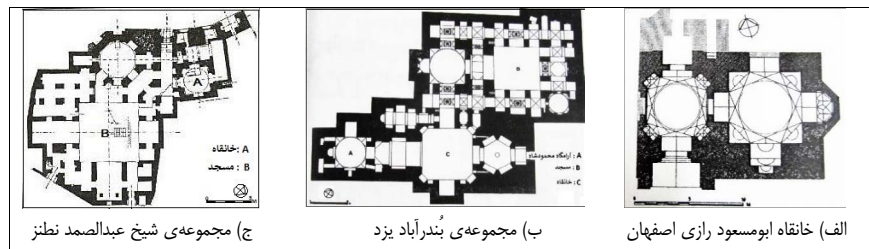
در اکثر منابع، واژه‌ی «خانقاه» با رباط، زاویه، بقعه و حظیره درهم آمیخته و گاهی یکی به معنی دیگری به کار رفته است؛ طبق نظر نویسنده‌ی تاریخ خانقاه علت این آمیختگی آن است که ابتدا صوفی وارسته‌ای، محلی را برای عزلت و اقامت خود و پذیرایی از یاران برگزیده و در آنجا سکونت می‌کرد که چنین جایی «زاویه» نامیده می‌شد و چون در آنجا به تربیت مریدان و سالکان می‌پرداخت آن را «رباط» و «خانقاه» می‌گفتند و چون پس از مرگ شیخ و مریدان در همانجا دفن می‌شدند، «بقعه» و «حظیره» نامیده می‌شد (همان: ۲۰۹).

بنابراین، در رابطه با ساختار خانقاه چنین می‌توان نتیجه گرفت که بناهای خانقاهی ابتدا یک مجتمع ساختمانی بوده، که پس از مرگ شیخ، به صورت یک آرامگاه، متعلق به مؤسس آن، شکل گرفته و سپس جانشینان او، تشکیل یک مجموعه آرامگاهی را داده‌اند. از جمله‌ی این مجموعه‌های خانقاهی می‌توان به خانقاه: ابومسعود رازی اصفهان (تصویر ۷: نقشه الف)، مجموعه‌ی بُندرآباد یزد (تصویر ۷: نقشه ب) و مجموعه‌ی شیخ عبدالصمد نطنز (تصویر ۷: نقشه ج) اشاره کرد، که متعلق به قرون هشتم و نهم هجری قمری نیز هستند. در امامزاده شهداء نیز مقبره‌ی شیخ صوفی، ابتدا در محل گنبدخانه قرار داشته و به گفته‌ی اهالی منطقه، پیش از ساخت ضریح، سنگ قبر به داخل شبستان انتقال می‌یابد.

قرارگیری خانقاه‌ها در کنار جاده جهت رحل افکندن و اقامت مسافران:

تعدادی از خانقاه‌ها، علاوه بر کانونی برای ادای مراسم مخصوص صوفیان و آرامگاهی برای شیخ آنان، محلی جهت رحل افکندن و اقامت مسافران بوده است؛ در واقع مسافرخانه‌ای رایگان بود که غذا و مکان مجانی در اختیار مسافران و غریبان قرار می‌داد و از آنان پذیرایی می‌شد. خواجه عبدالله انصاری، خانقاه رمله را به عنوان

► تصویر ۷. نقشه‌ی سه مجموعه خانقاهی متعلق به قرون هشتم و نهم ه.ق. (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴: ۹۸۶).



نخستین خانقاه برای این منظور معرفی می‌کند (انصاری، ۱۳۴۱: ۹). سهروردی نیز به مسئله‌ی تغذیه صوفیان اشاره کرده و آورده است: «یُسْتَحَبُ الإِجْتِمَاعُ عَلَی الطَّعَامِ وَ هُوَ سُنَّةُ الصُّوفِیَةِ فِی الرُّبُطِ وَ غَیْرِهَا»؛ به این معنا که اجتماع در هنگام طعام مستحب است و صوفیان در رباط‌ها و مراکز دیگر دارای چنین روشی هستند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۳۴۷). با توجه به موقعیت بنای بقعه‌ی سلطان ابراهیم در کنار جاده‌ی اصلی به نظر می‌رسد این مکان نیز علاوه بر محل آرامگاهی و خانقاهی، دارای عملکردی به عنوان مسافرخانه و پذیرایی و اطعام مسافران نیز، بوده است.

قرارگیری خانقاه‌ها در بیرون و حاشیه‌ی شهرها: خانقاه‌ها ابتدا در کنار مساجد احداث می‌شدند، ولی به علت اجرای مراسم خاص دراویش، چون: چله‌نشینی، نیایش و سماع؛ بعدها در بیرون و حاشیه‌ی شهرها ساخته شدند (عدلی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). از دیگر دلایلی که برای قرارگیری خانقاه‌ها در بیرون از شهر، ذکر شده عبارتند از: (۱) شناختن خانقاه در مدخل شهر، برای مسافران و صوفیان رهگذر آسان‌تر بود. (۲) سالکان خواستار گوشه‌ای آرام و خلوت و فضایی معنوی و روحانی بودند و خانقاه به سبب فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌گرفت، می‌بایست در نقطه‌ای دور از غوغای عام، به وجود آید و اعمال صوفیان از دید افراد کنجکاو و صوفی ستیزان و تردد و توقف افراد متفرقه به دور باشد. (۳) با زیاد شدن تعداد مریدان و فراوانی مسافران، امکان گسترش ساختمان به هر نسبتی وجود داشت؛ زیرا فضا باز بود و حتی گاهی به مرور زمان، با پرداختن به امر کشاورزی و دامداری به صورت کانونی اقتصادی تبدیل می‌شد (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۳۱). بقعه‌ی سلطان ابراهیم خرمی-بید نیز، در حومه‌ی شهر، جایی دورافتاده و نزدیک به جادی خرم-بید به روستای قصر یعقوب قرار گرفته است و حتی زمین‌های زراعی بسیاری در پیرامون آن وجود دارد که با دلایل ذکر شده برای موقعیت خارج از شهر بودن خانقاه‌ها مطابقت می‌نماید.

وجود قبرستان همجوار خانقاه: یکی دیگر از ویژگی‌های بناهای خانقاهی، وجود قبرستان همجوار خانقاه به صورت فضایی باز و یا به شکل حیاط در مقابل ساختمان خانقاه است (همان: ۱۳۴). در جوار بنای امامزاده شهداء و در جهت جنوب شرقی ساختمان آن نیز، یک قبرستان با تعدادی چهارطاقی وجود دارد (تصویر ۲) که تاریخ بعضی از سنگ‌قبرها، قرن نهم هجری قمری را نشان می‌دهد. نزدیک‌ترین مورد مشابه به موقعیت همجواری قبرستان و خانقاه، امامزاده داوود خرّقه، در فیروزآباد فارس متعلق به شخص صوفی، به نام «شیخ ابواسحاق خرّقه» است؛ در جوار این بنای خانقاهی نیز تعدادی سنگ قبر از قرن هشتم هجری قمری تا دوره‌ی قاجاریه نیز، به چشم می‌خورد (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۲۳)، (تصویر ۸).



تصویر ۸. امامزاده داوود خرقه فیروزآباد و قبرستان همجوار (نگارندگان، ۱۳۹۶).

نقشه و ساختار کلی بناهای خانقاهی: ساختمان کلی خانقاه‌ها مجموعه‌ای

شامل یک حیاط مرکزی و رواق‌های طولانی در دو طرف آن، حجره‌های داخلی برای خلوت صوفیان، سالنی برای نیایش، نمازخانه، آشپزخانه، محلی برای قرائت قرآن، اتاقی برای گفتگو و مجالس قوالی و سماع، مکتبی برای آموزش حدیث و اصول تصوف، اطاقی مخصوص شیخ و خانواده و دیگر فضاها است (Spencer, 1971: 166). هرچند کاربری فضاهای موجود در بنای مورد مطالعه، به‌طور دقیق مشخص نیست، اما ویژگی بعضی از قسمت‌های مختلف یک خانقاه را دارا بوده و براساس شکل ظاهر، می‌توان عملکرد برخی قسمت‌ها را حدس زد؛ به‌فرض مثال، در فضای صلیبی‌شکل بنا (نقشه ۱: ۴)، (تصویر ۹-الف) نشانه‌هایی از آشپزخانه دیده می‌شود. از جمله بخش‌های مختلف مطبخی‌شکل و اجاق‌هایی که آثاری از سیاهی دوده بر دیوارهای آن باقی مانده است (تصویر ۹-ب).

عملکرد مسافرخانه‌ای خانقاه نیز، وجود فضای آشپزخانه در بناهای خانقاهی را قوت می‌بخشد. ابن بطوطه نیز، ضمن آداب و مقررات خانقاه‌ها، در این باره چنین آورده که؛ از جمله مراسم و مقررات خانقاه این است که خادم هر بامداد پیش درآویش می‌آید و هرکدام از آن‌ها غذایی را به او سفارش می‌دهد و چون وقت خوراک می‌رسد برای هر کس پاره نانی با یک ظرف جداگانه شورا داده می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۷۲). از دیگر فضاهای مربوط به خانقاه، صفه‌هایی است که به صومعه و حجره‌ها باز می‌شد. یک فضای بینابینی میان فضای بسته‌ی جماعت‌خانه و فضای صحن که در وقت خوشی هوا، محل استراحت و نشستن شیخ و مریدان بود (همان). صفه‌های مزبور در بنای امامزاده به‌صورت شاه‌نشین در چهار جانب فضای گنبدخانه قرار دارد که می‌توان چنین کاربرد محل استراحت و نشستن شیخ و مریدان و یا حتی مسافران و رهگذران را برای آن تصور نمود. این



ب) بخشی از فضای احتمالی مطبخ

الف) فضای صلیبی شکل بنا

► تصویر ۹. بخشی از آشپزخانه‌ی احتمالی بنای امامزاده شهداء (نگارندگان، ۱۳۹۶).

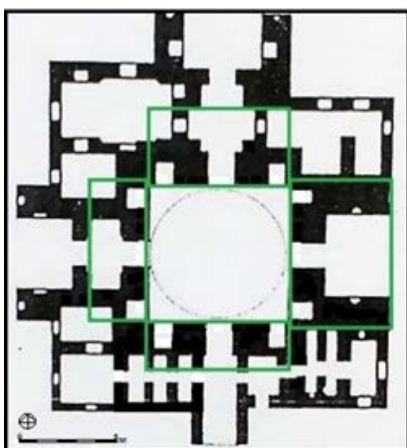
صفه یا شاه‌نشین‌ها در اکثر خانقاه‌ها دیده می‌شود. نمونه‌ی مشابه آن را در نقشه خانقاه شیخ علاءالدوله بیابانکی سمنانی مشاهده می‌کنیم (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۷۳)، (نقشه ۲). سایر قسمت‌های دیگر بنا که هیچ‌گونه آثار و علائمی در آن‌ها یافت نشد را نیز، می‌توان به‌عنوان اتاق‌ها و اقامتگاه‌هایی برای مریدان و یا مسافران تلقی نمود.

وضع تصوف و فعالیت خانقاه‌ها، از آغاز قرن یازدهم هجری قمری نامطلوب گردید و در دوره‌ی صفویه، با قدرت گرفتن روزافزون عالمان شیعی و گرایش پادشاهان صفوی به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه علیهم السلام، آزار و اذیت نسبت به فرقه‌های متعدد صوفیه افزایش یافت (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۶۲)؛ زیرا جماعت صوفیان، تحت سرپرستی و در اجرای فرامین مرشد خود فعالیت می‌کردند و این با مذهب تشیع که فقط به بزرگ‌شماری خاندان پیامبر و امامان شیعه و همچنین رجال مذهبی حکومت صفوی و شعائر مذهب شیعی می‌پرداختند، در تناقض بود. به‌گونه‌ای که در زمان شاه اسماعیل صفوی، به‌دستور وی، قریب به پانصد نفر از صوفیان به‌دست قزلباشان کشته شدند (ترکمان، ۱۳۸۱: ۲۰۹).

بر مبنای عواملی که ذکر شد، می‌توان چنین استنباط نمود که امامزاده شهداء یا بقعه سلطان ابراهیم خرم-بید، خانقاهی مربوط به اواسط قرن هشتم تا اواخر قرن نهم هجری قمری به‌شمار می‌آمده و در زمان خود، محل زندگی، تدریس و عبادت شیخ صوفی به‌نام «سلطان ابراهیم» بوده است. موقعیت بنا و عملکرد فضاهای آن نیز نشان دهنده‌ی آن است که مکانی برای مسافران و رهگذران بوده است؛ اما در قرون دهم و یازدهم هجری قمری در پی سیاست‌های مذهبی حکومت صفویه، یعنی قدرت گرفتن عالمان شیعی و گرایش پادشاهان صفوی به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان شیعه و آزار و اذیت نسبت به فرقه‌های متعدد صوفیه (کیانی، ۱۳۶۹: ۲۶۲) مریدان و ساکنین این خانقاه نیز، آنجا را ترک گفته و بنای امامزاده متروک گردیده است.

نتیجه‌گیری

خّطه‌ی فارس، از نظر دارا بودن آثار هنر و معماری، از دیرباز غنی بوده و پتانسیل بسیاری برای کشف و شناخت بناهای تاریخی و یادمانی دارد. بنای مورد نظر نیز در شهرستان خرم-بید، از شهرستان‌های استان فارس واقع شده که دارای آثار باستانی و تاریخی، به‌ویژه محوطه‌های باستانی کاوش نشده‌ی بسیاری است. این



▲ نقشه ۲. نقشه‌ی شیخ علاءالدوله بیابانکی با تأکید بر شاه‌نشین‌ها (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۷۳).

پژوهش، با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و ابهاماتی آغاز گردید که در اکثر منابع معماری ایران دوره‌ی اسلامی، تنها به نام این اثر اشاره شده و هیچ مدارکی دال بر قدمت و عملکرد این مجموعه آرامگاهی، وجود نداشت. تعدادی از منابع، قدمت این اثر را به دوران حکومتی تیموریان و آق‌قویونلوها رسانیده‌اند که در این باره نیز، تردیدهایی وجود داشت؛ از سوی دیگر، نقش پُررنگ معماران شیرازی در آثار قرن نهم هجری قمری ذهن را به کشف بناهایی از این دوره در منطقه‌ی فارس معطوف ساخت. با بررسی میدانی و مطالعاتی صورت گرفته بر روی سازه و تزیینات بنا، عناصر معماری و تزیینات آن شامل: مقرنس، معرّق، فرم طاقگان و کتیبه‌ها، سبک معماری آذری را یادآور شد، که با مقایسه و مطابقت، با بناهای قرون هشتم و نهم هجری قمری در منطقه‌ی فارس و استان‌های یزد و کرمان و اصفهان، قدمت این اثر ارزشمند مشخص و به دوره‌ی حکومتی تیموری-ترکمانان منسوب گردید. از سوی دیگر، ساختار و موقعیت بنا به جهت دور بودن از شهر، وجود قبرستان همجوار و مجموعه‌های آرامگاهی مشابه دیگری مانند: امامزاده داوود خرقه فیروزآباد، بقعه‌ی شیخ خلیفه‌ی جهرم، بقعه‌ی شیخ محمد خُنج، عملکردی خانقاهی برای بنا متصوّر گردید. نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته، معرفی بنای امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خزم-بید، به عنوان یک بنای خانقاهی مربوط به صوفی به نام «سلطان ابراهیم» است که در بازه‌ی زمانی قرون هشتم و نهم هجری قمری در این مکان فعالیت‌های مذهبی داشته و پس از مرگش با دفن او در همین مجموعه، این محل تا مدتی زیارتگاه مریدان و خالصان او بوده است؛ اما در دوره‌ی حکومت صفویه، در پی سیاست‌های مذهبی، پُررنگ‌تر شدن تشیع و آزار و اذیت صوفیان و از بین رفتن خانقاه‌ها، مریدان و ساکنین این خانقاه نیز، آنجا را ترک گفته و یا در همانجا به شهادت رسیده‌اند که وجود سنگ قبرهای نزدیک مجموعه با تاریخ‌هایی از قرون هشتم تا دهم هجری قمری و بعد از آن، گواه بر این مدعاست. امید است که با تلاش و پژوهش بیشتر محققان بر روی خطه‌ی فارس، که علاوه بر دارا بودن بناهای تاریخی و یادمانی بسیار، معماران و هنرمندان بارزی به‌ویژه در عصر ایلخانی و تیموری، از آن برخاستند، به آثار دیگری از این دوران دست‌یافته و گامی افزون در جهت غنی‌تر شدن تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم برداشته شود.

پی‌نوشت

۱. سبک معماری آذری در تقسیم‌بندی پیرنیا، شامل دو دوره است: (۱) دوره‌ی اول از زمان هلاکو آغاز می‌شود. (۲) دوره‌ی دوم از زمان تیمور و پایتختی سمرقند شروع شده و تا آغاز صفویه را دربر می‌گیرد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

کتابنامه

- آرشیو میراث فرهنگی فارس، ۱۳۷۸.
- ابن بطوطه، محمدبن عبدالله، ۱۳۷۰، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران: نشر آگه.

- افشار، ایرج، ۱۳۵۴، یادگارهای یزد؛ معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، جلد دوم، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- انصاری، امالی خواجه عبدالله، ۱۳۴۱، طبقات صوفیه، به اهتمام: عبدالحی حبیبی، تهران: چاپ کابل.
- اوکین، برنارد، ۱۳۸۶، معماری تیموری در خراسان، ترجمه‌ی علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- بلر، شیلا؛ و بلوم، جان‌اتان، ۱۳۸۸، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: سمت.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- ترکمان، اسکندریک، ۱۳۸۱، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد اول و نیمی از جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حاجی قاسمی، کامبیز، ۱۳۸۹، گنج‌نامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر یازدهم، «امامزاده‌ها و مقابر»، بخش اول، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- حسامپور، اسماعیل، ۱۳۹۴، طرح مرمت امامزاده شاه میرحمزه (ع) و بررسی امکان احیای بافت همجوار آن در شهرستان بوانات، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- راد، احسان، ۱۳۸۶، «گزارش عملکرد کارگاه‌های مرمت»، فارس: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس.
- رشیدی، خسرو، ۱۳۹۶، شهرستان خرم بید و فرهنگ مردم آن، شیراز: انتشارات قشقای.
- زنده‌دل، حسن؛ و دستیاران، ۱۳۷۷، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی استان فارس، تهران: نشر ایرانگردان.
- سهروردی، یحیی بن حبش، ۱۳۸۰، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد سوم، به تصحیح و مقدمه: حسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شراتو، امبرتو؛ گروبه، ارنست، ۱۳۷۶، هنر ایلخانی و تیموری، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: ناشر مولی.
- غروی، مهدی، ۱۳۷۶، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عدلی، محمدرضا، ۱۳۹۲، «علل گسترش جماعت‌های اولیه‌ی صوفیان و شکل‌گیری خانقاه‌ها»، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، شماره‌ی ۳۰، صص: ۹۳-۱۱۳.
- کیانی، محسن، ۱۳۶۹، تاریخ خانقاه در ایران، تهران: نشر طهوری.
- کیانی، محمدیوسف، ۱۳۸۸، تاریخ هنر معماری ایران در دوره‌ی اسلامی، تهران: سمت.
- گل‌مبک، لیزا؛ و ویلبر، دونالد، ۱۳۷۴، معماری تیموری در ایران و توران،

ترجمه‌ی کرامت‌اله افسرو محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
 - مدیریت میراث فرهنگی استان فارس، ۱۳۸۱، سیمای میراث فرهنگی فارس، تهران: اداره آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی (سازمان میراث فرهنگی).
 - میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق، ۱۳۸۷، کتیبه‌های یادمانی فارس؛ بناهای قرن هفتم تا دهم هجری، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
 - نوروزی، رضا، ۱۳۸۴، بررسی باستان‌شناسی فیروزآباد، فارس: نشر دانشنامه فارس و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فارس.
 - ویلبر، دونالد نیوتون، ۱۳۹۳، معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - هنزفر، لطف‌اله، ۱۳۷۶، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان: انتشارات گل‌ها.
 - هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۹، مقابر (از کتاب معماری ایران دوره‌ی اسلامی)، تهران: سمت.

- Spencer, T. J., 1971, *The sufi orders in Islam*. Oxford: Oxford university press.

-Picket, D., 1997, *Early Persian Tilework, the medieval Flowering of Kashi*. Madison: Fairleigh Dickinson university Press, London: Associated university Presse.